

Requiem (Salāt Al-mayyet) in the Big Cities of Iran during the Islamic Period until the Mongol Invasio

Seyysd Mohammad Mahdi Shariati*

Ali Ghofrani**

Abstract

Islamic customs. one of the rituals of burying the dead was praying the dead. This prayer was performed by the Caliph, emirs and government officials, religious scholars, judges and relatives of the deceased. Jame or Mosalla of the city, mosques, squares, cemeteries and schools of the city and sometimes government places and plains and deserts were the place of prayer for the dead. The social position of the deceased was effective in determining the imam of the congregation and the place of its establishment. The authors of the article seek to answer these questions by examining local histories and biographical books, and with a descriptive-analytical method: 1- What factors were effective and involved in the quality of holding the religious-social ritual of funeral prayer and the place where it was held? 2- Who participated in the funeral prayer and with what intentions and motivations? Investigations show that factors such as family ties, social and occupational status, and the extent and manner of the deceased's relationship with the ruling political structure have played a role in the quality of prayer and the choice of the place to perform the funeral prayer. Also, the high occupational and social status of the deceased made the elders of the city and many people participate in the funeral prayer with the intention of appreciating the efforts of the deceased and also bowing to religious rituals.

Keywords: Social History of Islamic Iran, Funeral Rituals, Requiem (Salāt Al-Mayyet), Place of Requiem, Cemetery.

* Phd student of Islamic Culture and Civilization, Islamic knowledge university, Qom, Iran (Corresponding Author), s.m.mahdi.shariaty@gmail.com

** Associated professor of Iranian Studies, Bo Ali Sina University, Hamadan, Iran, a.ghofrani@basu.ac.ir

Date received: 23/05/2023, Date of acceptance: 12/09/2023



نماز میّت در شهرهای بزرگ ایران دوره اسلامی تا حمله مغول

سید محمد مهدی شریعتی*

علی غفرانی**

چکیده

در ایران دوره اسلامی و با تأثیر از شریعت اسلام مردگان با آداب اسلامی به خاک سپرده می شدند. از جمله آداب خاک سپاری اموات اقامه نماز میّت بود. اقامه نماز توسط خلیفه، امیران و کارگزاران حکومتی، دانشمندان دینی، قضات، و خویشاوندان میّت صورت می گرفت. جامع یا مصلاّی شهر، مساجد، میادین، گورستانها، مدارس شهر، و گاهی نیز اماکن حکومتی مکانهای برگزاری نماز میّت بودند. نویسندگان مقاله، با بررسی تاریخهای محلی و کتابهای تراجم و طبقات و با روش توصیفی-تحلیلی، درصدد پاسخ به این سؤالها هستند: ۱. چه عواملی در کیفیت برگزاری آیین دینی-اجتماعی نماز میّت و محل برگزاری آن اثرگذار و دخیل بودند؟ ۲. چه کسانی و با چه نیات و انگیزههایی در نماز میّت شرکت می کردند؟ بررسیها نشان می دهند که عواملی مانند پیوندهای خانوادگی، جایگاه اجتماعی و شغلی افراد، و میزان و چگونگی ارتباط متوفی با ساختار سیاسی حاکم در کیفیت برگزاری نماز و انتخاب محل برگزاری نماز میّت دخالت داشت. هم چنین، موقعیت شغلی و اجتماعی متوفی سبب می شد تا بزرگان شهر و مردمان بسیاری با نیت قدردانی از زحمات متوفی و نیز تعظیم شعائر دینی در نماز میّت شرکت کنند.

کلیدواژه‌ها: ایران اسلامی، آیینهای خاک سپاری، نماز میّت، مکانهای برگزاری، گورستان.

* دانشجوی دکتری تاریخ و تمدن اسلامی، دانشگاه معارف اسلامی، قم، ایران (نویسنده مسئول)،
s.m.mahdi.shariaty@gmail.com

** دانشیار گروه ایران شناسی، دانشگاه بوعلی سینا، همدان، ایران، a.ghofrani@basu.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۳/۰۷، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۶/۲۱



۱. مقدمه

با ورود و انتشار اسلام در ایران، دین اسلام بر فرهنگ و تمدن ایرانیان اثر گذاشت و فرهنگ و تمدن ایران دوره اسلامی به عنوان بخشی از تمدن اسلامی تجلی کرد. شناخت تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی برای بازیابی تمدن نوین اسلامی تنها با بررسی، تحلیل، و نقد عناصر و جزئیات تشکیل دهنده و آداب و رسوم جاری در آن حاصل می شود.

آداب اسلامی در کفن و دفن و نماز میت از پدیده های فرهنگی - اجتماعی ایران دوره اسلامی است. مراسم خاک سپاری یک پدیده فرهنگی است؛ زیرا با اعتقادات و باورهای انسان پیوند دارد و یک رفتار هویت بخش برای مسلمانان است و یک پدیده اجتماعی است؛ زیرا مربوط به زیست جهان مادی و معنوی توده های مردم و روابط مردم با مردم است.

این پژوهش درصدد بررسی این پدیده در بخشی از تمدن اسلامی یعنی شهرهای بزرگ ایران دوره اسلامی است. مقصود از شهرهای بزرگ ایران شهرها و مناطقی هستند که درباره آن ها تاریخ محلی نوشته شده و به جا مانده است. با توجه به این که حمله مغولان یک نقطه عطف در تاریخ ایران به شمار می رود، این پژوهش تا پیش از حمله مغول را در بر می گیرد.

نویسندگان مقاله، با بررسی تاریخ های محلی و کتاب های تراجم و طبقات و با روش توصیفی - تحلیلی، درصدد پاسخ به این سؤال ها هستند: ۱. چه عواملی در کیفیت برگزاری آیین دینی - اجتماعی نماز میت و محل برگزاری آن اثرگذار و دخیل بودند؟ ۲. چه کسانی و با چه نیات و انگیزه هایی در نماز میت شرکت می کردند؟

بررسی ها نشان می دهند که عواملی مانند پیوندهای خانوادگی، جایگاه اجتماعی و شغلی افراد، و میزان و چگونگی ارتباط متوفی با ساختار سیاسی حاکم در کیفیت برگزاری نماز و انتخاب محل برگزاری نماز میت دخالت داشت. هم چنین، موقعیت شغلی و اجتماعی متوفی سبب می شد تا بزرگان شهر و مردمان بسیاری با نیت قدردانی از زحمات متوفی و نیز تعظیم شعائر دینی در نماز میت شرکت کنند.

از آن جاکه موضوع این پژوهش فاقد پیشینه پژوهشی است و تاکنون هیچ کتاب یا مقاله ای با رویکرد تاریخی در مورد نماز میت در ایران نوشته نشده است، در گام نخست داده های اولیه از کتاب های تاریخ محلی ایران استخراج شد. کتاب های تاریخ بخارا اثر ابوبکر نرشخی، تاریخ قم اثر حسن بن محمد قمی، تاریخ سیستان، محاسن اصفهان مافروخی، فارسنامه ابن بلخی، تاریخ بیهقی اثر علی بن زید بیهقی، آثار افضل الدین کرمانی شامل عقد العلی للموقف الاعلی، بدایع الازمان فی وقایع کرمان، و المضاف الی بدایع الازمان، تاریخ طبرستان ابن اسفندیار، تاریخ

نماز میّت در شهرهای ... (سید محمد مهدی شریعتی و علی غفرانی) ۲۰۵

نیشابور حاکم نیشابوری، تاریخ جرجان سهمی، ذکر اخبار اصبهان اثر حافظ ابونعیم اصفهانی، المنتخب من السیاق لتاریخ نیشابور اثر ابواسحاق صریفینی، القند فی معرفة علماء سمرقند اثر ابو حفص عمر نسفی، و التذوین فی اخبار قزوین اثر رافعی قزوینی مطالعه و اگر واجد مطلبی در مورد نماز میّت بود استخراج گردید.

هم چنین برخی از مهم ترین کتاب های طبقات و تراجم از جمله الانساب سمعانی، طبقات الشافعیة الکبری سبکی، و ... مطالعه شد و هرآنچه در این مورد در آنها مطرح شده بود، جمع آوری شد. مقاله پیش رو، حاصل استنتاج و تحلیل اطلاعات و داده های استخراج شده از منابع مذکور است.

در آیین اسلام واجب است پیش از خاک سپاری بر جسد مسلمان نماز میّت خوانده شود (مغنیه ۱: ۴۲۱ ج ۱، ۵۹). نماز میّت در واقع تجلیل و بزرگداشتی برای متوفای مسلمان و نوعی تعظیم شعائر بود که با پایان یافتن زندگی اش صورت می گرفت. آنان، در مقابل این پیکر، رو به قبله می ایستند و به صورتی که تشریع شده است، برای او از خدا طلب آمرزش و رحمت می کنند. از امام رضا (ع) روایت شده است که طلب آمرزش برای میّت علت تشریع نماز میّت است (ابن بابویه ۱: ۳۷۸ ج ۲، ۱۱۳).

نماز میّت توسط شرع تعیین شده و تقریباً در مذاهب اسلامی یکسان بود (طوسی ۱: ۴۰۷ ج ۱، ۷۲۴). آنچه در چگونگی برگزاری نماز میّت در منابع تاریخی انعکاس یافته، جنبه های اجتماعی نماز میّت است که در تفاوت اقامه کنندگان و مکان های اقامه نماز میّت جلوه گر شده است.

به طور کلی موقعیت و جایگاه اجتماعی متوفی در تعیین امام جماعت نماز میّت و مکان برگزاری نماز میّت مؤثر بود. مثلاً اگر متوفی دانشمند پراوازه شهر بود و جمعیت انبوهی برای اقامه نماز بر او می آمدند، یکی از دانشمندان بزرگ شهر در جامع یا مصلاهی شهر بر او نماز می خواند.

۲. اقامه کنندگان نماز میّت

نماز میّت از آن جا که یک عمل عبادی بود، اغلب توسط عالمان دینی و آگاهان به شریعت اقامه می شد. اما گزارش هایی از اقامه نماز میّت توسط خلیفه، حاکمان و امیران محلی، و صاحب منصبان حکومتی در ایران دوره اسلامی وجود دارد. این مطلب باتوجه به این که حکومت در تمدن اسلامی، از جمله ایران، امری دینی بود و خلفا و به تبع ایشان حاکمان و

صاحب‌منصبان آنان برای خود جایگاه رهبری دینی و سیاسی جامعه را به‌صورت توأمان قائل بودند، طبیعی می‌نماید.

باتوجه به مصادیق متعدد در گزارش‌های تاریخی موجود، که در آن‌ها اقامه‌کنندگان نماز نسبت به کسانی که بر آن‌ها نماز خوانده‌اند مشهورتر و یا از شهرت یک‌سانی برخوردار بوده‌اند، می‌توان نتیجه گرفت که در بسیاری از موارد بین کسی که نماز را اقامه می‌کرد و کسی که بر پیکرش نماز خوانده می‌شد، نوعی توازن و هم‌سنگی از نظر مرتبه علمی، اجتماعی، یا سیاسی برقرار بود یا درصورت نبود این ترازمندی، اقامه نماز میّت توسط یک چهره علمی یا سیاسی برجسته بیان‌گر عظمت علمی، اجتماعی، یا سیاسی نسبی متوفی یا حداقل احترام و ارادت آن شخصیت به ساحت او بود.

به همین سبب، این که چه شخصیتی بر پیکر شخصیت دیگر نماز اقامه می‌کرد، توسط جامعه پی‌گیری می‌شد و در بسیاری از منابع تاریخی اعم از تواریخ محلی، کتب طبقات و تراجم، و حتی تواریخ عمومی انعکاس پیدا می‌کرد.

طرف دیگر این مسئله احتراز از اقامه کردن نماز میت بر پیکر متوفی بود که در جامعه اعلام برائت و بی‌زاری از او و یا از تفکر، مذهب، یا مسلکش تلقی می‌شد. البته به‌ندرت این موارد در منابع ثبت شده است. امتناع شیخ ابوالقاسم علی بن عبدالله گرگانی (د ۴۵۰ ق) از گزاردن نماز بر جنازه ابوالقاسم فردوسی (د ۴۱۶ ق)، به سبب این که او زرتشتیان و کافران را مدح کرده، از همین موارد نادر است که در برخی از منابع متأخر از زمانه فردوسی مطرح شده است (عطار نیشابوری ۱۳۶۱: ۱۸۳-۱۸۴؛ مستوفی ۱۳۶۴: ۶۶۱).

مهم‌ترین گروه‌هایی که نماز میت اقامه می‌کردند عبارت بودند از:

۱.۲ خلفا

پیامبر اعظم (ص)، به‌عنوان حاکم دینی جامعه، نماز میت برخی صحابه را اقامه کردند. گاهی نیز نزدیکان متوفی از ایشان برای اقامه نماز میت دعوت می‌کردند. از مشهورترین کسانی که پیامبر (ص) بر پیکر آن‌ها نماز گزاردند، نجاشی، پادشاه حبشه، بود که پیامبر (ص) از راه دور بر پیکرش نماز گزاردند (ابن‌اثیر ۱۹۸۹: ج ۱، ۱۱۹-۱۲۰). پس از پیامبر (ص)، خلفا نیز که خود را رهبر دینی جامعه می‌دانستند، نماز میت اقامه می‌کردند. گزارش‌های تاریخی متعددی از اقامه نماز میت توسط خلفا به‌ویژه خلفای نخستین در مدینه و خلفای عباسی در بغداد وجود دارد، ولی از آن‌جا که موضوع این مقاله ایران است، به ذکر دو نمونه از اقامه نماز میت توسط مأمون خلیفه عباسی در ایران بسنده می‌شود.

نماز میت در شهرهای ... (سید محمد مهدی شریعتی و علی غفرانی) ۲۰۷

مأمون (د ۲۱۸ ق)، ولیعهد دوم هارون الرشید (د ۱۹۳ ق)، که از سوی او بر خراسان و نواحی شرقی خلافت عباسی امارت یافته بود (یعقوبی ۱۳۸۹: ج ۲، ۴۲۳)، پس از به خلافت رسیدن تا سال ۲۰۴ ق در خراسان باقی ماند (همان: ۴۷۲). مأمون در بازگشت از مرو به عراق در توطئه شهادت امام رضا (ع) در سال ۲۰۳ ق خود بر پیکر مطهر ایشان نماز گزارد (طبری ۱۳۸۷: ج ۸، ۵۶۸؛ ابن بابویه ۱۳۷۸: ج ۲، ۲۴۸). البته در منابع شیعی ذکر شده است که غیر از این نماز، نماز دیگری نیز توسط امام جواد (ع) بر پیکر امام رضا (ع) خوانده شد (همان: ۲۴۴).

مأمون در مسیر بازگشت به بغداد هم‌چنین بر پیکر محمد دیباج، فرزند امام صادق (ع) که در سال ۲۰۳ ق در جرجان وفات یافت، نماز خواند و او را در همان‌جا به خاک سپرد (قمی ۱۳۸۵: ۶۰۹). محمد بن جعفر دیباج در سال ۱۹۹ ق در مکه ضد مأمون قیام کرده بود. قیام او در زمره قیام‌های متعددی بود که از سوی علویان و دیگر مخالفان خلافت عباسی رخ می‌داد. او سرانجام در سال ۲۰۰ ق تسلیم شد. او را نزد مأمون در خراسان بردند و مأمون او را گرامی داشت و در خراسان نزد خود نگه داشت (برای آگاهی بیش‌تر، بنگرید به اصفهانی بی‌تا: ۴۳۸-۴۴۱؛ طبری ۱۳۸۷: ج ۸، ۵۳۶-۵۴۰).

نماز گزاردن مأمون بر پیکر امام رضا (ع) و محمد بن جعفر دیباج احترام و بزرگ‌داشتی از سوی مأمون در قبال خاندان پیامبر (ص) و علویان محسوب می‌شد و از آن دست اقداماتی بود که مأمون برای تثبیت حکومت خود در برابر گسترش نفوذ تشیع و قیام‌های علویان صورت می‌داد. او با چنین رفتارهایی سعی در زدودن اتهام قتل امام و دشمنی با علویان را از دامن خود داشت. زمانی که علویان از مأمون به سبب نماز بر محمد دیباج تشکر کردند، او این اقدام را رعایت حرمت فرزندان امام علی (ع) بیان کرد (قمی ۱۳۸۵: ۶۰۹).

۲.۲ امیران، والیان، و کارگزاران حکومتی

چنان‌که اشاره شد، حکومت در تمدن اسلامی جنبه دینی داشت و حاکمان و کارگزاران حکومتی نیز به برپاداشتن شعائر دینی از جمله نماز میت مبادرت می‌کردند. مثلاً نصر بن سیار (د ۱۳۱ ق)، والی اموی خراسان، در جریان قتل واصل بن عمرو، حاکم بخارا، بر پیکر او در سمرقند نماز خواند (نرشخی ۱۳۶۳: ۸۵؛ طبری ۱۳۸۷: ج ۷، ۱۷۶). یزید بن مزید، والی سیستان، از سوی مهدی عباسی (د ۱۶۹ ق) بر جسد والی پیش از خود، عبیدالله بن علاء، در سال ۱۶۰ ق نماز گزارد (تاریخ سیستان ۱۳۶۶: ۱۶۷). از این نمونه‌های تاریخی چنین برداشت می‌شود که والیان و کارگزاران حکومتی بر اقامه نماز بر اجساد رجال و کارگزاران حکومتی

وابسته به جریان خود اهتمام داشتند. نمونه دیگر این که حسن بن هلقام، جانشین نصر بن احمد سامانی (نصر اول، د ۲۷۹ ق) حکمران سمرقند، بر زبرک أعرج (د ۲۴۸ ق)، فرمانده سپاه سمرقند، نماز خواند (نسفی ۱۳۷۸: ۱۸۳). البته گزارش هایی درمورد اقامه نماز توسط والیان و کارگزاران حکومتی بر افراد غیر وابسته و یا حتی از جریان رقیب هم موجود است. مثلاً صقر بن عبدالله، کارگزار یزید بن عمر هبیره (د ۱۳۲ ق)، (ذهبی ۱۹۸۵: ج ۶، ۲۰۷-۲۰۸) والی امویان در عراقین، بر پیکر ابواسحاق عمرو بن عبدالله همدانی سیعی (همان: ج ۵، ۳۹۲-۴۰۱)، از تابعان، نماز گزارد (ابونعیم اصفهانی ۱۴۱۰: ج ۱، ۴۵۱-۴۵۲). عباس بن عمرو غنوی (د ۳۰۵ ق)، حاکم عباسی قم (زرکلی ۲۰۰۲: ج ۳، ۲۶۳)، بر پیکر محمد بن موسی مبرقع، فرزند امام جواد (ع) و نخستین فرد از سادات رضوی، که از کوفه به قم آمده بود، در سال ۲۹۶ ق نماز گزارد (قمی ۱۳۸۵: ۵۷۷-۵۷۵، ۵۸۱-۵۸۳).

گزارش های متعدد تاریخی نیز از اقامه نماز میّت توسط امیران، حاکمان، و رجال خاندان سامانی بر پیکر دانشمندان در دست است. اقامه نماز میّت بر پیکر دانشمندان توسط امیران سامانی یکی از جلوه های تکریم اهل علم و دانش بود که از سیاست های علمی و فرهنگی امیران سامانی به شمار می رفت و به شکوفایی علمی دوره سامانی منجر شده بود.

احمد بن اسد بن سامان (د ۲۵۰ ق)، امیر فرغانه و سمرقند و سرسلسله سامانیان، بر ابوحفص عمر بن یعقوب عامری (د ۲۴۰ ق) نماز گزارد (نسفی ۱۳۷۸: ۴۷۲). نصر بن احمد سامانی (نصر اول، د ۲۷۹ ق)، حکمران سمرقند، بر پیکرهای سعد بن نصر سمرقندی (د ۲۳۱ ق)، عباس بن خطاب سمرقندی (د ۲۳۴ ق)، و ابوالحسن علی بن اسحاق حنظلی (د ۲۳۷ ق)، که هر سه از محدثان بودند، نماز گزارد (همان: ۲۱۱، ۵۰۴-۵۰۵، ۵۹۴). اسماعیل بن احمد سامانی (د ۲۹۵ ق) نیز بر پیکر ابوابراهیم اسحاق بن اسماعیل (د ۲۵۹ ق) نماز خواند (همان: ۲۵۲). گزارش های دیگری نیز از اقامه نماز میّت توسط حاکمان و امیرزادگان سامانی نقل شده است (همان: ۱۴۵، ۲۰۳، ۲۹۶، ۴۷۲).

رجال درباری سامانی نیز برای نشان دادن چهره اجتماعی از خود به اقامه نماز میّت مبادرت می کردند. به عنوان نمونه، حسن بن هلقام، جانشین نصر بن احمد سامانی در سمرقند، زمانی که نصر شهر را برای نبرد با دشمن ترک کرده بود، بر ابوالحسن علی بن حکیم سعدی (د ۲۳۵ ق)، از محدثان سمرقند، نماز گزارد (همان: ۵۰۱). ابوعلی بلعمی (د ۳۶۳ ق)، وزیر سامانیان، نیز برای اقامه نماز بر پیکر ابومحمد احمد بن عبدالله مزنی (د ۳۵۶ ق) در بخارا حاضر شد (سبکی ۱۴۱۳: ج ۳، ۱۹).

۳.۲ دانشمندان

گزارش های متعددی از اقامه نماز میّت توسط دانشمندان در دست است. بیش تر این دانشمندان عالمان علم حدیث و فقه بودند و سبب مبادرت آن ها بر نماز میّت این بود که محدثان و فقیهان آگاهان و مرزبانان شریعت و احکام بودند و نماز میّت نیز حکمی شرعی بود. بیش تر افرادی که گزارش شده است دانشمندان بر پیکر آن ها نماز خوانده اند، خود اهل علم و دانش و اغلب محدث بوده اند.

نکته دیگر این که اهتمام دانشمندان بر اقامه نماز میّت بر پیکر دانشمندان متوفی از اقامه نماز بر عموم افراد جامعه متمایز و یکی از جلوه های بزرگداشت برای دانشمند متوفی بود و این امر باید در جهت جایگاه شامخ علم و دانش و به تبع آن دانشمند در تمدن اسلامی ارزیابی شود. چنان که گذشت، باتوجه به گزارش های تاریخی موجود، در بسیاری از موارد بین اقامه کننده نماز و کسی که بر پیکرش نماز خوانده می شد، نوعی توازن و هم سنگی از نظر مرتبه علمی یا اجتماعی برقرار بود و یا در صورت عدم این ترازمندی، اقامه نماز میّت توسط یک چهره علمی برجسته بیان گر عظمت علمی نسبی متوفی و یا حداقل احترام و ارادت آن شخصیت به ساحت او بود. این نکته در نمونه هایی که ذکر خواهد شد، به خوبی نمایان است.

به همین سبب این که چه شخصیتی بر پیکر شخصیت دیگر نماز اقامه می کرد، توسط عموم جامعه و به خصوص جامعه علمی پی گیری می شد. از این رو، در کتاب های تاریخ محلی، تراجم، و طبقات نظیر تاریخ نیشابور، تاریخ جرجان، السیاق لتاریخ نیشابور، القند فی ذکر علماء سمرقند، الانساب، و ... و حتی در کتاب های تاریخ عمومی، مثل تاریخ طبری، نام فردی که بر پیکر شخصیت های بزرگ و مشهور نماز گزارده، در موارد متعددی گزارش شده است.

هرچند مباحث مرتبط با دانش و دانشمندان به طور کلی در کانون توجه نسبی جامعه قرار داشت و اقامه نماز دانشمندی بر پیکر دانشمند دیگر نیز از جمله همین مباحث بود، باید توجه داشت که مطرح کردن نام اقامه کننده نماز بر پیکر دانشمندان در شرح حال های آنان در کتب رجالی، تراجم، و طبقات در حالی است که در موارد متعددی این شرح حال ها از چند سطر و در برخی از موارد حداکثر از چند صفحه معدود تجاوز نمی کند و این مطلب بیان گر اهمیت این موضوع برای جامعه آن روز است.

ابوعمر و محمد بن جعفر بن محمد بن مطر نیشابوری (د ۳۶۰ ق)، از محدثان مشهور نیشابور (ذهبی ۱۹۸۵: ج ۱۶، ۱۶۲-۱۶۳)، بر ابوالحسین احمد بن محمد یحوی (د ۳۴۴ ق) و ابوالعباس محمد بن یعقوب اصم (د ۳۴۶ ق) در نیشابور نماز میّت خواند (سمعانی ۱۹۶۲: ج ۱۳، ۴۸۶، ج ۱، ۹۳).

ابواحمد محمد بن محمد بن احمد بن اسحاق نیشابوری (د ۳۷۸ ق)، معروف به «محدث خراسان» از محدثان مشهور نیشابور در قرن چهارم (حاکم نیشابوری ۱۳۷۵: ۱۸۷؛ ذهبی ۱۹۸۵: ج ۱۶، ۳۷۰-۳۷۷)، بر ابوحسین احمد بن عبدالله کرایسی (د ۳۶۶ ق) و ابواحمد محمد بن احمد حسنوی (د ۳۷۵ ق) نماز گزارد (سمعانی ۱۹۶۲: ج ۷، ۱۲۷، ج ۴، ۱۶۳). ابواحمد حسین بن علی تیمی (د ۳۷۵ ق)، معروف به حسینک (حاکم نیشابوری ۱۳۷۵: ۱۶۰)، وصیت کرد تا ابواحمد نیشابوری بر او نماز بگزارد (سمعانی ۱۹۶۲: ج ۳، ۸۲). ابواحمد هم‌چنین بر جنازه ابو عمرو محمد بن احمد حیری (د ۳۷۶ ق) نماز گزارد (ذهبی ۱۹۸۵: ج ۱۶: ۳۵۹-۳۵۶؛ سبکی ۱۴۱۳: ج ۳، ۷۰).

ابوطیب سهل بن محمد صعلوکی (د ۴۰۴ ق)، فقیه شافعی نیشابور (ذهبی ۱۹۸۵: ج ۱۷، ۲۰۷-۲۰۹)، نیز بر ابوبکر محمد بن عبدالله جوزقی (د ۳۸۸ ق) و ابومحمد عبدالرحمن بن احمد (د ۳۹۴ ق) نماز اقامه کرد (سمعانی ۱۹۶۲: ج ۳، ۴۰۶، ج ۹، ۳۶۳).

ابوبکر محمد بن حسن بن فورک اصفهانی (د ۴۰۶ ق)، از متکلمان مقیم نیشابور (ذهبی ۱۹۸۵: ج ۱۷، ۲۱۴-۲۱۶)، نیز بر ابومحمد عبدالله بن حامد ماهانی (د ۳۸۹ ق) نماز اقامه کرد (همان: ج ۱۲، ۶۲؛ سبکی ۱۴۱۳: ج ۳، ۳۰۷).

ابوبکر عبدالرحمان بن اسماعیل صابونی (صریفینی ۱۳۶۲: ۴۹۱) نیز بر ابوعبدالله محمد بن علی خبازی (د ۴۴۹ ق)، ابواسحاق ابراهیم جیلی (د ۴۵۱ ق)، و ابوبکر محمد بن محمود تیمی (د ۴۹۱ ق) نماز گزارد (همان: ۴۰، ۱۵۷-۱۵۸، ۶۸).

ابوالعالی عبدالملک بن عبدالله جوینی (د ۴۷۸ ق)، مشهور به امام الحرمین جوینی، از مدرسان معروف نظامیه نیشابور (ذهبی ۱۹۸۵: ج ۱۸، ۴۶۸-۴۷۷)، نیز بر ابوسعید مسعود بن ناصر رکاب (د ۴۷۷ ق) نماز اقامه کرد (صریفینی ۱۳۶۲: ۶۶۵-۶۶۶).

ابوسعید عبدالواحد بن عبدالکریم قشیری (د ۴۹۴ ق)، از دانشمندان نیشابور و خطیب جمعه این شهر (همان: ۵۱۹-۵۲۰)، بر ابوبکر محمد بن یحیی مزکی (د ۴۶۴ ق)، ابوبکر احمد بن علی شیرازی (د ۴۸۷ ق)، و ابوالحسن احمد بن محمد شجاعی (د ۴۹۰ ق)، که هر سه از محدثان نیشابور بودند، نماز اقامه کرد (همان: ۶۱، ۱۳۷، ۱۴۱).

این نمونه‌ها مربوط به شهر نیشابور بود. در شهرهای دیگر ایران دوره اسلامی نیز چنین نمونه‌هایی وجود دارد.

ابوبکر احمد بن ابراهیم اسماعیلی (د ۳۷۱ ق)، از دانشمندان به‌نام شافعی‌ها در جرجان (سهمی ۱۴۰۷: ۱۰۸-۱۱۶؛ سمعانی ۱۹۶۲: ج ۱، ۲۳۹-۲۴۱)، بر ابوجعفر محمد بن احمد فامی

نماز میت در شهرهای ... (سید محمد مهدی شریعتی و علی غفرانی) ۲۱۱

(د ۳۵۸ ق)، قاضی و خطیب جرجان، نماز اقامه کرد (سهمی ۱۴۰۷: ۴۲۸). ابوبکر اسماعیلی بر ابوعمر و محمد بن عبدالله وزدولی (د ۳۵۹ ق)، از محدثان جرجان، نیز نماز اقامه کرد (سمعانی ۱۹۶۲: ج ۱۳، ۳۲۸). او هم‌چنین بر ابواحمد عبدالله بن عدی (د ۳۶۵ ق)، از حافظان حدیث، در جرجان نماز گزارد (سهمی ۱۴۰۷: ۴۴۳؛ سماعی ۱۹۶۲: ج ۳، ۲۳۸).

فرزند او، ابونصر محمد بن احمد اسماعیلی (د ۴۰۵ ق) (سهمی ۱۴۰۷: ۴۵۲-۴۵۳؛ سماعی ۱۹۶۲: ج ۱، ۲۴۱-۲۴۲)، بر ابواسحاق ابراهیم بن محمد (د ۳۶۸ ق) و ابوبکر محمد بن ابراهیم (د ۳۹۹ ق) نماز گزارد (سهمی ۱۴۰۷: ۱۳۸، ۴۵۲). ابونصر هم‌چنین بر پیکر برادرش، ابوسعید اسماعیل بن احمد اسماعیلی (د ۳۹۶ ق)، نماز اقامه کرد (همان: ۱۴۷).

ابوالعباس جعفر بن محمد مستغفری (د ۴۳۲ ق)، از دانشمندان پرآوازه حنفی‌مذهب و صاحب *ماوراءالنهر* (سمعانی ۱۹۶۲: ج ۱۲، ۲۴۱-۲۴۲؛ ذهبی ۱۹۸۵: ج ۱۷، ۵۶۴-۵۶۵)، نیز بر جنازه تعدادی از دانشمندان سمرقند، از جمله ابوالمظفر عبدالله بن محمد (د ۴۱۲ ق)، ابواسحاق ابراهیم بن محمد مودوی (د ۴۱۳ ق)، و ابواسحاق ابراهیم بن علی زندنیایی (د ۴۱۹ ق) نماز اقامه کرد (نسفی ۱۳۷۸: ۵۲، ۵۳، ۳۳۲).

جالب توجه است که برخی مؤلفان تاریخ‌های محلی و تراجم، که درحقیقت در زمره دانشمندان صاحب تألیف بودند و شهرت و اعتبار اجتماعی خاصی داشتند، بر برخی شخصیت‌ها در شهر و موطن خود و یا حتی در شهرهای دیگر نماز میت می‌خواندند و در آثار خود به این موضوع اشاره کرده‌اند. به‌عنوان نمونه، ابوسعید عبدالکریم بن محمد سماعی (د ۵۶۲ ق)، از دانشمندان قرن ششم هجری که به بسیاری از منابع که امروزه به‌دست ما نرسیده‌اند، دسترسی داشته است، در اثر مشهورش، *الانساب*، از حاکم نیشابوری مؤلف کتاب *تاریخ نیشابور* نقل کرده است که او در مکه بر ابومحمد صالح بن محمد ترمذی نماز خوانده بود (سمعانی ۱۹۶۲: ج ۳، ۴۳). سماعی هم‌چنین از ابوعبدالله محمد بن احمد غنجار بخاری (د ۴۱۲ ق)، مؤلف کتاب موسوم به *تاریخ بخارا* نقل کرده است که بر جنازه ابوبکر محمد بن احمد بخاری (د ۳۵۰ ق) در بخارا نماز خوانده بود (همان: ج ۵، ۲۰۷). حمزة بن یوسف سهمی (د ۴۲۷ ق)، مؤلف *تاریخ جرجان*، در اثر خود نوشته است که بر جنازه ابوالقاسم عبدالله بن احمد (د ۳۷۵ ق)، که از جرجانی‌های مقیم بصره بود، در جامع بصره نماز گزارد (سهمی ۱۴۰۷: ۲۷۳). حافظ ابونعیم اصفهانی (د ۴۳۰ ق)، محدث و مؤلف نام‌دار قرن چهارم و پنجم هجری، بر جنازه ابوجعفر محمد بن جعفر خیاط (د ۳۸۵ ق) حاضر شده و نماز گزارده بود (ابونعیم اصفهانی ۱۴۱۰: ج ۲، ۲۵۴). هم‌چنین، ابوالحسن عبدالغافر بن اسماعیل فارسی (د ۵۲۹

ق)، مؤلف السیاق لتاریخ نیشابور، بر پیکر ابوالحسن علی بن سهل (د ۴۹۱ ق) نماز گزارد (صریفینی ۱۳۶۲: ۵۹۶). عمر بن محمد نسفی (د ۵۳۷ ق)، نویسنده کتاب القند فی ذکر علماء سمرقند، بر ابوسعید عبدالله بن ابومظفر (د ۵۲۳ ق) و بکر بن عبدالله خرقانی (د ۵۲۵ ق) در سمرقند نماز گزارد (نسفی ۱۳۷۸: ۳۴۶، ۷۰۲).

۴.۲ قضات

قضات، که در روزگاران قدیم از میان عالمان فقه برگزیده می شدند و مسئولیت اجتماعی و حقوقی داشتند، از جمله کسانی بودند که به خواندن نماز میّت مبادرت می کردند. قاضی در حقیقت نایب خلیفه در امر قضا بود و از این جهت در زمره کارگزاران حکومتی قرار می گرفت و از جهت دیگر، از آنجاکه براساس مذاهب اسلامی قاضی باید عالم و بلکه مجتهد در احکام می بود (طوسی ۱۴۰۷: ج ۶، ۲۰۷)، در زمره دانشمندان قرار می گرفت.

گزارش های چندی از اقامه نماز میّت توسط قضات در شهرهای مختلف ایران دوره اسلامی در دست است. قاضی علی بن احمد کردی در جرجان بر ابواسحاق عمران بن موسی بن مجاشع (د ۳۰۵ ق) نماز گزارد (سهمی ۱۴۰۷: ج ۱، ۳۲۲؛ سمعانی ۱۹۶۲: ج ۳، ۲۵۷). قاضی یحیی بن منصور (د ۳۵۱ ق) (ذهبی ۱۹۸۵: ج ۱۶، ۲۸) در نیشابور بر پیکر ابواسحاق ابراهیم بن اسماعیل (د ۳۳۸ ق) نماز گزارد (سمعانی ۱۹۶۲: ج ۵، ۱۳۴). او هم چنین بر ابوبکر محمد بن داود (د ۳۴۲ ق) و ابوالولید حسان بن محمد (د ۳۴۹ ق) نماز گزارد (همان: ج ۶، ۲۳۸، ج ۱۰، ۳۷۲). قاضی ابوبکر احمد بن حسین جرش بر پیکر دایی خود، ابومنصور عبیدالله بن احمد (د ۳۵۷ ق)، نماز اقامه کرد (همان: ج ۱۲، ۱۲۷). قاضی ابونصر در نیشابور بر ابونصر محمد بن احمد ولی (د ۳۸۱ ق) نماز گزارد (همان: ج ۱۳، ۳۶۲). قاضی ابوبکر احمد بن حسن حیری (د ۴۲۱ ق) (صریفینی ۱۳۶۲: ۹۳-۹۴) بر پیکر پدرش، ابوعلی حسن بن محمد حرشی (د ۳۸۸ ق)، نماز اقامه کرد (سمعانی ۱۹۶۲: ج ۴، ۱۲۴). قاضی ابوهیثم عتبه بن خيثمه (د ۴۰۶ ق) (صریفینی ۱۳۶۲: ۶۰۵) بر ابواحمد محمد بن احمد مراری (د ۳۹۵ ق) نماز گزارد (همان: ج ۱۲، ۱۷۰). قاضی عبدالملک بن حسین بر ابوالحسن علی بن احمد قلاسی (د ۴۴۷ ق) نماز گزارد (نسفی ۱۳۷۸: ۵۲۷). قاضی ابوالقاسم منصور بن صاعد بر ابوالحسن احمد بن عبدالرحیم اسماعیلی (د ۴۶۹ ق) نماز اقامه کرد (صریفینی ۱۳۶۲: ۱۳۰-۱۳۱). قاضی ابوالعلاء صاعد بن منصور (همان: ۴۰۳-۴۰۴) (د ۵۰۶ ق) بر ابوحامد احمد بن محمد کرابیسی (د ۴۷۴ ق) نماز گزارد (همان: ۱۳۷). او هم چنین در زمانی که قاضی القضاات و خطیب نیشابور بود، بر ابوجعفر

نماز میت در شهرهای ... (سید محمد مهدی شریعتی و علی غفرانی) ۲۱۳

محمد بن عبدالحمید ابیوردی (د ۵۰۱ ق) نماز گزارد (همان: ۷۸). قاضی ابوسعید محمد بن احمد (د ۵۲۷ ق) (ذهبی ۱۹۸۵: ج ۱۹، ۵۲۱) بر پیکر پدرش، ابونصر احمد بن محمد (د ۴۸۲ ق) قاضی القضاات نیشابور، نماز اقامه کرد (صریفینی ۱۳۶۲: ۱۳۹).

۵.۲ خویشاوندان

گاه خویشاوندان میت نیز بر جنازه عزیز خود نماز می خواندند. گزارش های متعددی از اقامه نماز میت توسط پسر بر پیکر پدر موجود است. به عنوان نمونه، بر ابوبکر احمد بن عمرو بن ابوعاصم (د ۲۸۷ ق)، فقیه ظاهری مذهب و قاضی اصفهان (ذهبی ۱۹۸۵: ج ۱۳، ۴۳۰-۴۳۹)، فرزندش حکم بن احمد نماز گزارد (ابونعیم اصفهانی ۱۴۱۰: ج ۱، ۱۳۵)؛ یا بر ابوبکر محمد بن اسحاق بن خزیمه (د ۳۱۱ ق)، از پیشوایان دانش حدیث در عصر خود در نیشابور، فرزندش، ابونصر بکر بن محمد (د ۳۲۳ ق)، نماز اقامه کرد (حاکم نیشابوری ۱۳۷۵: ۱۱۹-۱۲۰). هم چنین، در نیشابور ابومحمد عبدالله بن اسماعیل (د ۳۷۹ ق) بر جنازه پدرش ابوالعباس اسماعیل بن عبدالله (د ۳۶۲ ق) نماز گزارد (سمعانی ۱۹۶۲: ج ۱۲، ۵۳۰-۵۳۴). بر ابوسهل محمد بن سلیمان صعلوکی (د ۳۶۹ ق) ادیب، مفسر، محدث، و فقیه شافعی مذهب نیشابور (حاکم نیشابوری ۱۳۷۵: ۱۸۲؛ ذهبی ۱۹۸۵: ج ۱۶، ۲۳۵-۲۳۹)، فرزندش ابوالطیب سهل بن محمد (د ۴۰۴ ق) که نزد او فقه آموخته بود، نماز گزارد (سبکی ۱۴۱۳: ج ۳، ۱۷۱).

در جرجان بر ابوسعید محمد بن منصور جولکی (د ۴۱۰ ق)، از محدثان و والی جرجان در عهد منوچهر بن قابوس امیر آل زیار، پسرش ابوالمحاسن سعد بن محمد (سهمی ۱۴۰۷: ۲۲۶-۲۲۷) نماز گزارد (همان: ۴۵۴). در جرجان هم چنین ابوالفرج محمد بن محمد خطیب جرجان (همان: ۴۶۲) بر پدرش، ابوبکر محمد بن یوسف شالنجی (د ۴۱۸ ق) قاضی و خطیب جرجان، نماز اقامه کرد (همان: ۴۵۶؛ صریفینی ۱۳۶۲: ۱۱-۱۲). در نمونه دیگر در نیشابور این اتفاق در دو نسل تکرار شد، به این صورت که ابوعمر و محمد بن احمد (د ۳۹۶ ق) بر پدرش، ابوالحسین احمد بن محمد بحیری (د ۳۷۸ ق)، نماز اقامه کرد و پسرش، ابوحفص، بر او نماز گزارد (سمعانی ۱۹۶۲: ج ۲، ۱۰۵-۱۰۶). بر جنازه امام الحرمین ابوالمعالی عبدالملک بن عبدالله جوینی (د ۴۷۸ ق) فرزندش، ابوالقاسم مظفر بن عبدالملک، نماز گزارد (ابن خلکان ج ۳، ۱۷۰؛ سبکی ۱۴۱۳: ج ۵، ۱۸۱، ۳۳۰). بر پیکر ابونصر احمد بن محمد (د ۴۸۲ ق)، قاضی القضاات و شیخ الاسلام نیشابور (ذهبی ۱۹۸۵: ج ۱۹، ۷-۸)، نیز فرزندش قاضی ابوسعید نماز اقامه کرد (صریفینی ۱۳۶۲: ۱۳۸-۱۴۰).

بررسی این گزارش‌ها و دیگر نمونه‌ها بیان‌کننده این مطلب است که اقامه نماز میّت توسط فرزند بر پیکر پدر در اغلب موارد در خانواده‌ها و بلکه خاندان‌های دانشور صورت می‌گرفت. به بیان دیگر، اقامه نماز توسط فرزندان دانشمندان، که خود نیز همانند پدر از چهره‌های علمی بودند، صورت می‌گرفت. در این نمازها در درجه نخست منزلت علمی فرزند و در درجه بعد پیوند خانوادگی مطرح بود.

گویا نکته‌ای که پیش‌تر در توازن علمی - معنوی میان دانشمند متوفی و دانشمندی که بر او نماز اقامه می‌کرد بیان شد، در این‌جا نیز مطرح بود. به عبارت دیگر، پسری که بر جنازه پدر نماز می‌خواند، از نظر شأن و منزلت علمی یا معنوی کمابیش با پدر هم‌رتبه بود. این نکته از دقت نظر در گزارش‌ها و نمونه‌های تاریخی به دست می‌آید. افزون‌بر آن، گزاره‌ای تاریخی این انگاره را تأیید می‌کند که بر جنازه ابو محمد عبدالله بن محمد بن مهیمن یزدی (د ۳۷۳ ق)، از بزرگان خراسان در دانش، ثروت، و اخلاق، باوجود بزرگان، قاضیان، فقها، و دانشمندان پسرش نماز گزارد و این بدان سبب بود که او چنین وصیت کرده بود (سمعانی ۱۹۶۲: ج ۱۳، ۴۹۵). از این گزارش چنین برداشت می‌شود که منزلت اجتماعی ابو محمد یزدی اقتضا می‌کرد قاضی، فقیه، یا دانشمندی برجسته بر او نماز بخواند و اقامه نماز توسط پسرش امری مغایر سنت جامعه بود که به علت وصیت او صورت گرفت.

نماز برادر بر پیکر برادر در میان پیوندهای خانوادگی از نظر فراوانی در منابع در جایگاه دوم قرار دارد و آنچه در مورد اهل علم بودن و هم‌سنگی پسرانی گفته شد که بر پدران نماز می‌خواندند، در این‌جا نیز صدق می‌کرد.

بر پیکر ابواحمد محمد بن احمد ماسرجسی (د ۳۱۵ ق)، از محدثان نیشابور (ذهبی ۱۹۸۵: ج ۱۶، ۲۸۸)، برادرش نماز گزارد (سمعانی ۱۹۶۲: ج ۱۲، ۳۷-۳۸). هم‌چنین، ابواحمد محمد بن محمد بن جعفر مطری (د ۳۷۶ ق) بر پیکر برادرش، ابوبکر محمد بن محمد بن جعفر مطری (د ۳۷۰ ق)، در نیشابور نماز گزارد (همان: ۳۱۶). یا ابوالعباس محمد بن احمد سلیطی بر برادرش، ابوجعفر محمد بن احمد (د ۳۸۱ ق)، در نیشابور نماز گزارد (همان: ج ۷، ۱۹۳-۱۹۴). ابونصر محمد بن احمد اسماعیلی (د ۴۰۵ ق) (سهمی ۱۴۰۷: ۴۵۲-۴۵۳؛ سماعانی ۱۹۶۲: ج ۱، ۲۴۱-۲۴۲) هم بر پیکر برادرش، ابوسعید اسماعیل بن احمد اسماعیلی (د ۳۹۶ ق)، در جرجان نماز اقامه کرد (سهمی ۱۴۰۷: ۱۴۷). بر پیکر ابومعمر مفضل بن اسماعیل بن احمد اسماعیلی (د ۴۳۱ ق) نیز برادرش، ابوالفضل مسعده بن اسماعیل بن احمد بن ابراهیم اسماعیلی، نماز خواند (سمعانی ۱۹۶۲: ج ۱، ۲۴۳). بر ابو عبدالله محمد بن یزید بن ماجه

نماز میت در شهرهای ... (سیدمحمد مهدی شریعتی و علی غفرانی) ۲۱۵

قزوینی (د ۲۷۳ ق)، از محدثان و مفسران مشهور در قزوین، برادرش ابوبکر نماز اقامه کرد (رافعی قزوینی ۱۴۰۸: ج ۲، ۴۹-۵۰). در قزوین هم چنین فقیه ابومنصور محمد بن احمد قزوینی (د ۳۶۶ ق) بر جنازه برادرش، فقیه ابوالمنذر محمد بن احمد بن منصور قزوینی (د ۳۵۷ یا ۳۵۸ ق)، نماز گزارد (همان: ج ۱، ۲۰۳).

۳. مکان‌های برگزاری نماز میت

در منابع تاریخی در مواردی مکان‌های اقامه نماز میت نیز یاد شده است که حکایت از اهمیت این امر دارد. بررسی این موارد حاوی نکات اجتماعی و فرهنگی جالبی است. از جمله این‌که برخلاف آنچه امروزه در بیش‌تر موارد مرسوم است که نماز میت در گوشه‌ای از قبرستان اقامه می‌شود، در بسیاری از مکان‌های عمومی نظیر جامع‌ها، مساجد، مدارس، و میادین شهر نماز میت خوانده می‌شد. اقامه نماز میت در مکان‌های عمومی، علاوه بر بزرگداشت متوفی، توده‌های جامعه مثل ساکنان محل یا ره‌گذران را، که چه بسا قرابت و ارادت‌ی هم به متوفی نداشتند، درگیر مسئله مرگ و سفر آخرت می‌کرد. اقامه نماز میت در مکان‌های عمومی زنگ هشدار برای عموم جامعه بود که مرگ سرنوشت محتوم آنان است و این مطلب اثر تربیتی شگرفی بر افراد جامعه داشت.

موقعیت اجتماعی متوفی و تعداد افراد شرکت‌کننده در مراسم تشییع، که آن‌هم تا اندازه زیادی به موقعیت اجتماعی متوفی بستگی داشت، دو عامل تعیین‌کننده مکان اقامه نماز میت بود. به عنوان مثال، اقامه نماز میت در مدارس علمی به استادان آن مدارس یا دانشمندان اختصاص داشت و یا هنگامی که جمعیت شرکت‌کننده در نماز میت بسیار بودند و مکان‌های عمومی شهر مثل میادین، مساجد، و جامع شهر جواب‌گوی خیل حاضران نبودند، نماز میت در خارج از شهر در مصلای گورستان شهر برپا می‌شد. مهم‌ترین مکان‌های برگزاری نماز میت عبارت بودند از:

۱.۳ جامع

جامع مسجد مرکزی و اصلی شهر بود که برپایه الگوی مسجد نبوی مدینه در شهرهای اسلامی شکل گرفت و به وقت ضرورت برای فعالیت‌های عبادی، اجتماعی، و سیاسی مردم در آن‌جا جمع می‌شدند و اقامه نماز جمعه در آن از مهم‌ترین کاربردهای آن بود (بادکوبه ۱۳۸۴: ذیل مدخل «جامع، مسجد»). جامع‌ها یکی از مکان‌هایی بودند که نماز میت دانشمندان دینی و

فقیهان و محدثان متوفی در آن‌ها اقامه می‌شد. اقامه نماز میّت در مساجد را می‌توان از جمله کارکردهای فرهنگی - تربیتی این مساجد برشمرد.

در جامع جرجان، بر ابوسعید محمد بن منصور جولکی (د ۴۱۰ ق)، از محدثان و حاکم جرجان در دوره امیر آل زیار منوچهر بن قابوس، نماز خوانده شد (سهمی ۱۴۰۷: ۴۵۴).

در جامع عتیق یا قدیم نیشابور، که بزرگ‌ترین مسجد شهر کهن نیشابور بود و بنابر قول مشهور به دستور ابومسلم خراسانی ساخته شده بود (حاکم نیشابوری ۱۳۷۵: ۲۱۷-۲۱۸)، نیز نماز میّت خوانده می‌شد. مثلاً در این جامع بر ابوحامد احمد بن محمد کرایسی (د ۴۷۴ ق) قاضی ابوالعلاء صاعد بن منصور نماز گزارد (صریفینی ۱۳۶۲: ۱۳۷). هم‌چنین، بر ابوالحسن علی بن احمد فنجکردی (د ۵۱۳ ق)، ادیب و محدث نیشابوری، در همین جامع نماز اقامه شد (سمعانی ۱۹۶۲: ج ۱۰، ۲۴۷).

در جامع منیعی نیشابور، که ابوعلی حسان بن سعید منیعی (د ۴۳۶ ق) از محدثان و فقیهان عصر خود آن‌جا را ساخت و در برابر جامع عتیق «جامع جدید» هم نامیده می‌شد (ریاحی ۱۳۸۳: ۲۷۹؛ اقبال ۱۳۱۵: ۱۰۹۰)، هم نماز میّت برگزار می‌شد. در جامع منیعی بر ابوعبدالله محمد بن اسماعیل مقرئ (د ۴۸۶ ق) و ابوبکر محمد بن عبدالله روقی (د ۵۱۵ ق) نماز میّت خوانده شد (صریفینی ۱۳۶۲: ۷۹، ۸۷).

۲.۳ مصلا (عیدگاه)

مصلا مکان وسیع و روبازی بود که در حاشیه شهرها ظاهراً فقط برای برگزاری نمازهای عید فطر و قربان آماده می‌شد و پیشینه آن به زمان زندگی پیامبر اکرم (ص) در مدینه بازمی‌گردد (بادکوبه ۱۳۸۴: ذیل مدخل «جامع، مسجد»). به سبب اقامه نماز عید در مصلا به آن «عیدگاه» نیز گفته می‌شد (نعت‌نامه ۱۳۷۷: ذیل مدخل «عیدگاه»).

در برخی گزارش‌های تاریخی تصریح شده است که نماز میّت در «مصلی العید» برگزار شد. مصلا از آن جهت که محل اقامه نماز عید فطر و قربان بود و جمعیت انبوهی در آن‌جا شرکت می‌کرد، بسیار وسیع بود. به همین سبب، نماز میّت افراد نام‌آور، که جمعیت انبوهی در نماز آنان حاضر می‌شد، در مصلا برگزار می‌شد. مثلاً در مصلا عید جرجان بر ابوبکر محمد بن یوسف شالنجی، قاضی و خطیب جرجان (صریفینی ۱۳۶۲: ۱۱-۱۲)، در سال ۴۱۸ ق نماز اقامه شد (سهمی ۱۴۰۷: ۴۵۶). یا در مصلا عید سمرقند بر ابوبکر محمد بن عبدالله سرخکتی (د ۵۱۸ ق)، از فقها و محدثان، نماز میّت خوانده شد (سمعانی ۱۹۶۲: ج ۷، ۱۲۰-۱۲۱).

نماز میّت در شهرهای ... (سید محمد مهدی شریعتی و علی غفرانی) ۲۱۷

هم چنین، در مورد ابو جعفر محمد بن عبد الحمید مقریء ابیوردی (د ۵۰۱ ق) گزارش شده است که در شامگاه روز عرفه از دنیا رفت و در صبح روز عید قربان جنازه او را به مصلا انتقال دادند و بعد از نماز و خطبه عید قربان بر او نماز گزارده شد (صریفینی ۱۳۶۲: ۷۸). هم چنین، گفته شده است هنگامی که ابوالفضل خزیمه بن علی (د ۵۴۸ ق) در مرو وفات یافت، در مصلا بر او نماز گزاردند (سمعانی ۱۹۶۲: ج ۱، ۷۱) که به نظر می رسد مقصود همان مصلائی عید یا عیدگاه مرو است.

۳.۳ میدان‌ها

میدان‌های شهرها و محله‌ها یکی از اصلی‌ترین محل‌های برگزاری نماز میّت بوده است. باتوجه به وسعت شهرها در روزگاران قدیم، هر محله از تعدادی میدان بهره می برد که معمولاً به نام محله یا فرد مهم ساکن محله معروف بود. از فراوانی گزارش‌های اقامه نماز میّت در میدان‌ها می توان نتیجه گرفت که میدان‌های شهرها از اصلی ترین مکان‌های برگزاری نماز میّت حداقل برای اموات مشهور و نخبه بوده اند. برگزاری نماز میّت در میدان مردم کوی و برزن را درگیر این مسئله می کرد و افرادی که از نزدیکان میّت هم نبودند، به چشم داشت ثواب اخروی یا احترام بر میّت مسلمان در نماز میّت شرکت می کردند و به این ترتیب جمعیت بیش تری برای نماز میّت حاضر می شد و نماز میّت که بزرگداشتی برای متوفی بود، باشکوه تر برگزار می گردید، اما این تمام ماجرا نبود و برگزاری نماز میّت در میدان یا وسط محله زنگ هشدار برای همه اهالی و ره گذران آن محل بود که مرگ سرنوشت محتوم همه است و همه باید خود را برای روز حساب آماده کنند و این مطلب اثر تربیتی مهمی بر جامعه داشت، در صورتی که اگر نماز میّت در محلی مثل گورستان، جامع شهر، و ... برگزار می شد، چه بسا تنها نزدیکان و ارادت مندان متوفی در نماز او شرکت می کردند.

میدان حسین بن معاذ بن مسلم از میدان‌های اصلی و معروف نیشابور بود که به تعبیر تاریخ نیشابور «مجمع سلاطین و میان بلد بود» (حاکم نیشابوری ۱۳۷۵: ۲۱۹) و نماز میّت در آنجا اقامه می شد. در این میدان بر ابوبکر محمد بن اسحاق بن خزیمه (د ۳۱۱ ق)، از پیشوایان دانش حدیث در عصر خود (ذهبی ۱۹۸۵: ج ۱۴، ۳۶۵-۳۸۲)، نماز اقامه شد، به گونه ای که از محلی که در میدان حسین بن معاذ بر او نماز گزاردند تا جنجرو، که قریه ای بود بر دروازه نیشابور، مملو از جمعیت شد و پس از آن او را در خانه اش دفن کردند (حاکم نیشابوری ۱۳۷۵: ۱۱۹-۱۲۰). بر ابوبکر محمد بن عبدوس (د ۳۳۸ ق) نیز در همین میدان نماز خوانده شد (سمعانی ۱۹۶۲: ج

۳، ۳۵۹-۳۶۰). بر ابواسحاق ابراهیم بن محمد اسفراینی (د ۴۱۸ ق) در گورستان حیره نیشابور نماز گزاردند و او را در مشهد ابوبکر طرسوسی دفن کردند، اما پس از آن پسرش همراه جمعیت انبوهی وارد نیشابور شد و بعد از سه روز جنازه او را به میدان حسین بن معاذ انتقال داد و در آنجا بر او نماز گزارد و جنازه را برای دفن به اسفراین فرستاد (صریفی ۱۳۶۲: ۱۵۱-۱۵۲؛ سمعانی ۱۹۶۲: ج ۱، ۲۲۵). بر ابوعثمان اسماعیل بن عبدالرحمان صابونی (د ۴۴۹ ق) جمعیت بی شماری در این میدان نماز خواندند و بر برادر او ابوعلی اسحاق بن عبدالرحمان صابونی (د ۴۵۵ ق) نیز در همین میدان نماز اقامه شد و هردو در مشهد محله حرب دفن شدند (صریفی ۱۳۶۲: ۱۸۰، ۲۱۹). امام الحرمین جوینی (د ۴۷۸ ق)، فقیه شهیر شافعی مذهب نیشابور، در بشتقان از قرای نیشابور (یا قوت حموی ۱۹۹۵: ج ۱، ۴۲۵-۴۲۶) درگذشت و جنازه اش شبانه به نیشابور منتقل شد و در میدان حسین بر او نماز گزارده شد و در خانه اش دفن گردید (سبکی ۱۴۱۳: ج ۵، ۱۸۱). بر ابویعقوب اسحاق بن احمد محمدآبادی (د ۴۷۸ ق) نیز در میدان حسین نیشابور نماز خوانده شد و در مقبره جدش، معروف به مشهد اسحاقیه در شط الوادی، دفن شد (صریفی ۱۳۶۲: ۲۲۳). بر ابوحاتم محمد بن اسحاق خطبی (د ۴۸۸ ق) نیز در همین میدان نماز اقامه شد و در گورستان شاهنبر نیشابور دفن شد (همان: ۸۶).

از نمونه های یادشده برمی آید که میدان محل اقامه نماز با محل دفن تناسبی از جهت مسافت یا مسیر نداشتند و چنین نبود که بر افرادی که قرار بود در گورستان یا مقبره خاصی دفن شوند، در میدان نزدیک یا در مسیر آن گورستان نماز اقامه شود، بلکه بر افراد در میدان محل سکونت آن ها و یا میدان مهم شهر یا محله ای که با شهرت آن ها و تعداد افراد حاضر در مراسم نماز آن ها تناسب داشت، نماز اقامه می شد.

از دیگر میدان های اصلی و معروف نیشابور میدان زیاد بن عبدالرحمان بود. در این میدان بر ابوالحسن احمد بن محمد شجاعی (د ۴۹۰ ق) و ابوالقاسم اسحاق بن عمر شجاعی (د ۵۲۰ ق) نماز خوانده شد (صریفی ۱۳۶۲: ۱۴۱، ۲۲۴).

در منابع از میدان طاهریه و میدان عبدالله بن طاهر در نیشابور نیز یاد شده است که احتمالاً این دو میدان یکی است. بر ابوبکر احمد بن حسین مهرانی (د ۳۸۱ ق) در میدان طاهریه نیشابور نماز خوانده شد (سمعانی ۱۹۶۲: ج ۱۲، ۴۹۱) و بر ابوالعباس محمد بن احمد سلیطی نیز در میدان عبدالله بن طاهر نماز خواندند (همان: ج ۷، ۱۹۴).

نماز میت گاهی نیز در وسط و میان محله برگزار می شد. مثلاً گزارش شده است که در وسط محله مولقباد نیشابور بر ابو عبدالرحمان عمر بن محمد بحیری (د ۴۴۶ ق) نماز اقامه شد

نماز میّت در شهرهای ... (سید محمد مهدی شریعتی و علی غفرانی) ۲۱۹

(صریفینی ۱۳۶۲: ۶۰۸) و در صحن مولقباد بر ابوسعید احمد بن محمد محمدآبادی (د ۴۲۷ ق) نماز خوانده شد (همان: ۱۱۳). ظاهراً مقصود از صحن مولقباد همان وسط و میان محله مولقباد نیشابور است.

گزارشی نیز در دست است که بر ابوبکر محمد بن احمد نسوی (د ۴۸۴ ق) بر در مسجد مطرز نماز خوانده شد (همان: ۸۲-۸۳). اقامه نماز میّت در این محل را می‌توان به اقامه نماز در میان محله ملحق کرد.

اگرچه میدان‌ها در قدیم بسیار محدود بودند و وسعت آن‌ها با میدان‌های روزگار ما قابل‌مقایسه نیست، در نمازهای میّتی که در میدان‌ها برگزار می‌شد، جمعیت نسبتاً زیادی حاضر می‌شد و چنان‌که ملاحظه شد، نماز میّت افراد سرشناس محله یا شهر در میدان‌ها برگزار می‌شد. البته گاهی نیز فضای میدان به سبب محصور بودن آن برای جمعیت شرکت‌کننده در نماز میّت پاسخ‌گو نبود و به همین سبب نماز میّت در مکان‌های وسیع‌تری مثل گورستان برگزار می‌شد.

۴.۳ گورستان‌ها

گورستان‌ها هم یکی از مکان‌های اقامه نماز میّت بودند. برخی گورستان‌ها مصلاً داشتند. مصلاً گورستان با مصلاً عید فرق داشت و صرفاً محلی برای اقامه نماز میّت بود. بر ابوعمر و احمد بن محمد حیری (د ۳۱۷ ق) در مصلاً حیره نماز خواندند (حاکم نیشابوری ۱۳۷۵: ۱۱۱). حیره محله‌ای بزرگ در نیشابور کهن و گورستان حیره از معروف‌ترین گورستان‌های نیشابور بود که چهره‌های سرشناس زیادی در آن جا دفن شدند. به احتمال زیاد، مقصود از مصلاً حیره همان مصلاً گورستان حیره است؛ زیرا در گزارشی تصریح شده است که در مصلاً مقبره (گورستان) حیره بر ابومحمد بن عبدالله بن محمد سمدی (د ۳۶۶ ق) پسرش، ابوسعید، نماز خواند و او را در همان گورستان دفن کرد (سمعانی ۱۹۶۲: ج ۷، ۲۱۶-۲۱۷).

بر ابوعبدالله محمد بن یونس نیشابوری (د ۳۳۱ ق) نیز در مصلاً «باب المعمر» نماز خواندند (همان: ج ۸، ۱۰۸-۱۰۹). بر ابویعقوب اسحاق بن ممشاد کرامی (د ۳۸۳ ق) در گورستان خوانجان نماز خوانده شد. چون میدان‌های شهر برای حاضران در نماز او وسعت کافی نداشتند (همان: ج ۱۱، ۶۲-۶۳).

محمد بن حسن قمی در تاریخ قم نقل کرده است که ابواحمد عبیدالله بن احمد از سادات علوی و از نوادگان محمد حنفیه را، که به قم آمدند، در مقبره مالک آباد قم در قبه‌ای آجری که

نزدیک آن قبه بر مردگان نماز می خواندند، دفن کردند (قمی ۱۳۸۵: ۶۵۹-۶۶۰). از این گزارش فهمیده می شود که در محل ویژه ای در آن گورستان بر اموات نماز می گزاردند.

۵.۳ مدارس

مدرسه ها نیز به سبب جایگاه آموزشی و دینی از مکان های اقامه نماز میّت بودند. در شهرهای ایران از قرن چهارم هجری مدارس زیادی ساخته شدند. به نظر می رسد که اقامه نماز میّت در مدارس به دانشمندان اختصاص داشت. دانشمندی که عمری را در این مدارس و در میان اهل علم به تعلّم و تعلیم سپری کرده بود، با اقامه نماز میّت بر پیکرش در مدرسه و در میان اهل علم تکریم می شد.

بر ابوالحسن احمد بن عبدالرحیم اسماعیلی، از محدثان سرشناس نیشابور و از خانواده ای علمی (ذهبی ۱۹۸۵: ج ۱۸، ۲۵۰-۲۵۱)، در مدرسه جدش در سال ۴۶۹ ق نماز خوانده شد (صریفی ۱۳۶۲: ۱۳۱). بر ابوبکر محمد بن یحیی مزکی (د ۴۷۴ ق)، که او نیز از محدثان مشهور و از خاندان های علمی نیشابور بود (ذهبی ۱۹۸۵: ج ۱۸، ۳۹۸-۴۰۰)، در مدرسه سهل صعلوکی نماز گزارده شد (صریفی ۱۳۶۲: ۶۱).

عمر بن محمد نسفی (د ۵۳۷ ق)، مؤلف القند فی ذکر علماء سمرقند، در مدرسه سید بغدادی سمرقند، بر جنازه ابوسعید عبدالله بن ابوالمظفر بن ابویعمر نسفی (د ۵۲۳ ق) نماز اقامه کرد (نسفی ۱۳۷۸: ۳۴۶).

۶.۳ دشت و صحرا

گزارش هایی نیز از برپایی نماز میّت در دشت و صحرا وجود دارد. گزارش شده است که بر امیر سامانی ابوالقاسم نوح بن منصور سامانی (د ۳۸۷ ق) در دشت نماز خواندند (سمعانی ۱۹۶۲: ج ۷، ۲۷). هم چنین، گزارش شده است که بر پیکر ابوسعید اسماعیل بن احمد اسماعیلی (ذهبی ۱۹۸۵: ج ۱۷، ۸۷-۸۸) در سال ۳۹۶ ق در صحرای «باب الخندق» جرجان نماز اقامه شد (سهمی ۱۴۰۷: ۱۴۷).

۷.۳ اماکن حکومتی

بر قاضی ابواحمد محمد بن محمد نیشابوری معروف به «محدث خراسان» (ذهبی ۱۹۸۵: ج ۱۶، ۳۷۰-۳۷۷) در محل «دیوان الجیش» در سال ۳۷۸ ق نماز اقامه شد (حاکم نیشابوری

نماز میّت در شهرهای ... (سیدمحمد مهدی شریعتی و علی غفرانی) ۲۲۱

۱۳۷۵: ۱۸۷). دیوان الجیش محلی بود که در آن به امور و مسائل لشکر و سپاهیان و پرداخت حقوق و مواجب آنان رسیدگی می‌شد. دیوان الجیش خراسان در قرن چهارم در نیشابور قرار داشت (برای آگاهی بیش‌تر، بنگرید به قدامة بن جعفر ۱۹۸۱: ۲۱-۳۲؛ خوارزمی ۱۴۲۸: ۷۶).

۴. نتیجه‌گیری

نماز میّت یکی از آیین‌های دینی متأثر از شریعت اسلام در ایران دوره اسلامی رواج داشته است. نماز میّت درواقع تجلیل و بزرگداشت متوفای مسلمان بود و ازهمین‌رو موقعیت و جایگاه اجتماعی متوفی در تعیین امام جماعت نماز و مکان برگزاری آن مؤثر بود.

خلیفه، امیران، والیان، کارگزاران حکومتی، دانشمندان، قضات، و خویشاوندان میّت از مهم‌ترین گروه‌هایی بودند که به اقامه نماز بر میّت مسلمان مبادرت می‌کردند. از آن‌جاکه حکومت در اسلام جنبه دینی داشت، خلفا، والیان، و کارگزاران حکومتی باتوجه به شأن دینی که برای حاکمیت خود قائل بودند، نماز میّت برخی از اموات مشهور را، که اغلب از وابستگان سیاسی آنان نیز بودند، اقامه می‌کردند.

دانشمندان علم حدیث، فقها، و گروهی دیگر بودند که گزارش‌های متعددی از اقامه نماز میّت توسط آنان در دست است. از آن‌جاکه محدثان و فقیهان آگاهان و مرزبانان شریعت و احکام بودند و نماز میّت نیز حکمی شرعی بود، اقامه نماز میّت توسط آنان طبیعی است. اگر خویشاوندان میّت خود از دانشمندان و بزرگان بودند، اقامه نماز میّت توسط آنان نسبت به سایر دانشمندان و بزرگان ترجیح داشت.

اقامه نماز میّت، علاوه بر تعظیم شعائر، تجلیل و بزرگداشتی برای متوفای مسلمان بود. بر این اساس نوعی توازن اجتماعی بین متوفی و فردی که بر او نماز می‌خواند، برقرار بود یا درصورت عدم این توازن، اقامه نماز میّت توسط رجل سیاسی — حکومتی یا عالم برجسته بیان‌گر شأن اجتماعی بالای او در جامعه از نظر سیاسی یا علمی — معنوی بود و برای افراد جامعه حائز اهمیت بود که نماز میّت افراد را چه کسی می‌خواند. ازهمین‌رو، در بسیاری از منابع از قبیل تواریخ محلی، کتب تراجم و طبقات، و حتی تاریخ‌های عمومی در موارد متعددی اقامه‌کنندگان نماز میّت بزرگان و مشاهیر بیان شده‌اند.

مهم‌ترین مکان‌های اقامه نماز میّت عبارت بودند از: جامع‌ها، مصلّاها، میدان‌های شهر، گورستان‌ها، مدارس، و دشت و صحرا. پایگاه و جایگاه اجتماعی متوفی و تعداد افراد

۲۲۲ تحقیقات تاریخی اجتماعی، سال ۱۳، شماره ۲، پاییز و زمستان ۱۴۰۲

شرکت‌کننده در تشییع جنازه او، که این هم تاحدّ زیادی به پایگاه و جایگاه اجتماعی او وابسته بود، عوامل تعیین‌کننده در تعیین محل اقامه نماز میت بودند.

کتاب‌نامه

- ابن اثیر، عزالدین (۱۹۸۹)، *اسد الغابة فی معرفة الصحابة*، بیروت: دار الفکر.
- ابن بابویه، محمد بن علی (۱۳۷۸)، *عیون اخبار الرضا*، تصحیح مهدی لاجوردی، تهران: جهان.
- ابن خلکان، شمس‌الدین احمد بن محمد (بی‌تا)، *وفیات الاعیان و آبناء آبناء الزمان*، تحقیق احسان عباس، بیروت: دار صادر.
- ابونعیم اصفهانی، احمد بن عبدالله (۱۴۱۰)، *تاریخ اصفهان (ذکر اخبار اصفهان)*، بیروت: دار الکتب العلمیة.
- اصفهانی، ابوالفرج (بی‌تا)، *مقاتل الطالبیین*، تحقیق سیداحمد صقر، بیروت: دار المعرفة.
- اقبال، عباس (۱۳۱۵)، «تبعات تاریخی: جامع منعی نیشابور»، مهر، ش ۱۱.
- بادکوبه هزاوه، احمد (۱۳۸۴)، *دانش‌نامه جهان اسلام*، زیر نظر غلامعلی حداد عادل، ج ۹، ذیل مدخل «جامع، مسجد»، تهران: بنیاد دایرةالمعارف اسلامی.
- تاریخ سیستان* (۱۳۶۶)، تصحیح ملک الشعرای بهار، تهران: پدیده خاور.
- حاکم نیشابوری، ابوعبدالله (۱۳۷۵)، *تاریخ نیشابور*، ترجمه محمد بن حسین خلیفه نیشابوری، تهران: آگه.
- خوارزمی، محمد بن احمد (۱۴۲۸)، *مفاتیح العلوم*، تحقیق عبدالامیر اعسم، بیروت: دار المناهل.
- ذهبی، ابوعبدالله محمد بن احمد (۱۹۸۵)، *سیر اعلام النبلاء*، بیروت: مؤسسة الرسالة.
- رافعی قزوینی، عبدالکریم بن محمد (۱۴۰۸)، *التدوین فی اخبار قزوین*، بیروت: دار الکتب العلمیة.
- ریاحی، محمدحسین (۱۳۸۳)، «تأثیرات فرهنگی، تربیتی مساجد با تکیه بر مساجد اصفهان و نیشابور»، در: *فروغ مسجد: مجموعه مقالات برگزیده اولین همایش هفته جهانی مساجد*، قم: مؤسسه فرهنگی ثقلین.
- زرکلی، خیرالدین (۲۰۰۲)، *الاعلام*، بیروت: دار العلم للملایین.
- سبکی، عبدالوهاب بن علی (۱۴۱۳)، *طبقات الشافعیة الكبرى*، تحقیق محمود محمد الطناحی و عبدالفتاح محمد الحلو، هجر للطباعة و النشر والتوزیع.
- سمعی، ابوسعید عبدالکریم بن محمد (۱۹۶۲)، *الانساب*، حیدرآباد: مجلس دائرةالمعارف العثمانیة.
- سهمی، حمزة بن یوسف (۱۴۰۷)، *تاریخ جرجان*، بیروت: عالم الکتب.
- صریفینی، ابراهیم بن محمد (۱۳۶۲)، *تاریخ نیشابور: المنتخب من السیاق*، تصحیح محمدکاظم محمودی، قم: جامعه مدرّسین حوزه علمیه قم.
- طبری، ابوجعفر محمد بن جریر (۱۳۸۷)، *تاریخ الامم و الملوک؛ تاریخ الطبری*، بیروت: روائع التراث العربی.

نماز میت در شهرهای ... (سید محمد مهدی شریعتی و علی غفرانی) ۲۲۳

طوسی، ابوجعفر محمد بن الحسن (۱۴۰۷)، *الخلاص*، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.

عطار نیشابوری، فریدالدین (۱۳۶۱)، *اسرارنامه*، تصحیح سید صادق گوهرین، تهران: کتابفروشی زوار.
قدامة بن جعفر (۱۹۸۱)، *الخراج وصنعة الكتابة*، شرح و تعلیق محمد حسین الزبیدی، بغداد: دار الرشید للنشر.
قمی، حسن بن محمد بن حسن (۱۳۸۵)، *تاریخ قم*، ترجمه حسن بن علی بن عبدالملک قمی، قم: کتابخانه بزرگ آیت الله العظمی مرعشی نجفی.

لغت نامه (۱۳۷۷)، به کوشش علی اکبر دهخدا، زیر نظر محمد معین و سید جعفر شهیدی، تهران: مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران.

مستوفی، حمدالله (۱۳۶۴)، *تاریخ گزیده*، به کوشش عبدالحسین نوایی، تهران: امیرکبیر.

مغنیه، محمد جواد (۱۴۲۱)، *الفقه علی المذاهب الخمسة*، بیروت: دار التیار الجدید - دار الجواد.

نرخعی، ابوبکر محمد بن جعفر (۱۳۶۳)، *تاریخ بخارا*، تهران: توس.

نسفی، عمر بن محمد (۱۳۷۸)، *الفند فی ذکر علماء سمرقند*، تهران: میراث مکتوب.

یاقوت حموی، شهاب الدین ابوعبدالله (۱۹۹۵)، *معجم البلدان*، بیروت: دار صادر.

یعقوبی، احمد بن اسحاق (۱۳۸۹)، *تاریخ یعقوبی*، ترجمه محمد ابراهیم آیتی، تهران: علمی و فرهنگی.

